

الگوهای سفر قهرمانی از نگاه پسا یونگی^۱ و کاربرد آن در تحلیل متون ادبی

محمدجعفر یاحقی،^{۱۷} مریم اسم‌علی‌پور،^{۱۸} شاهدخت طوماری،^{۱۹} فرزاد قائمی^{۲۰}

چکیده

اصطلاح «پسا یونگی» به گروهی از روان‌شناسان و روان‌کاوان اطلاق می‌شود که پس از آشنایی با نظریات کارل گوستاو یونگ^۲ به بررسی، نقد و تحلیل آرای وی در ابعاد مختلف آن پرداختند. مکتب «پسا یونگی» خود به سه مکتب کلاسیک^۳، رشد^۴ و کهن‌الگویی^۵ تقسیم می‌شود. مکتب کهن‌الگویی جیمز هیلمن^۶ پیوند عمیقی با ادبیات و متون ادبی دارد. از رهگذر رشد و گسترش مکتب هیلمن، انواع سفر قهرمانی در این مکتب شکل گرفته است که عبارت‌اند از: سفر قهرمانی کارول اس. پیرسون،^۷ سفر قهرمانی مرد رابرت بلای،^۸ سفر قهرمانی زن مورین مرداک^۹ و کلاریسا پینکولا استس.^{۱۰} تیپ‌شناسی جین شینودا بولن^{۱۱} نیز یکی از روش‌های نقد کهن‌الگویی در حوزه شناخت تیپ و شخصیت قهرمان است. نتایج این نوشتار نشان می‌دهد، با استفاده از این الگوهای سفر قهرمانی، بسیاری از متون ادبیات فارسی چه کلاسیک و چه معاصر را می‌توان تحلیل و بررسی کرد. در این مقاله از متون متنوعی مثل افسانه‌ها و رمان‌های معاصر استفاده شده است تا گستردگی این الگوها را به‌خوبی نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: یونگ، پسا یونگی، نقد کهن‌الگویی و سفر قهرمانی.

۱۷. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول)

۱۸. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد. maryam_eessmm1441@yahoo.com

۱۹. رئیس و مؤسس مؤسسه The Radiance of Hope Counseling Center

۲۰. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

بیان مسأله

مکتب پسایونگی یکی از مکاتب مهم علم روان‌شناسی است که با علوم و هنرهای دیگر از جمله ادبیات پیوند عمیقی دارد. در دنیای غرب بسیاری از متون ادبی براساس موازین و دیدگاه‌های این مکتب تحلیل و بررسی می‌شوند. از این رهگذر این مقاله به بررسی الگوهای سفر قهرمانی پسایونگی می‌پردازد و بر آن است تا این الگوها را به جامعه ادبی معرفی کند.

روش تحقیق

نگارنده در این مقاله با توصیف و تعریف مفاهیم پسایونگی، به جستجوی الگوهای سفر در متون متنوع کلاسیک و معاصر پرداخته است تا ثابت کند که این الگوها بسیاری از متون را در بر می‌گیرند.

پیشینه نقد کهن‌الگویی پسایونگی

کتاب پشت دیوار بزرگ^{۱۲} که توسط جیمز ویتلارک^{۱۳} نوشته شده، در حقیقت، آغاز یک رویکرد پسایونگی به کافکا و آثارش است. ویتلارک با توجه به تحلیل آثار کافکا و مقلدان وی که آن‌ها را به سه دسته قورباغه‌سان‌ها، کلاغ‌سان‌ها و پلنگ‌سان‌ها تقسیم‌بندی کرده، نتیجه می‌گیرد که یونگ نظریه منسجمی ارائه نکرده است و اکتشافات تجربی او با توجه به استانداردهای ساختارگرا، بیش از حد سست و حدیثی به نظر می‌رسند (Whitlark, 1991: 204). در کتاب نقد پسایونگی^{۱۴} که توسط یک گروه از نویسندگان به نام‌های جیمز و تیتا باملین^{۱۵} و جرج جنسن^{۱۶} زیر نظر اندرو ساموئلز نوشته شده، ابتدا جایگاه یونگ در نقد ادبی بررسی شده و سپس دیدگاه‌های وی با مکاتبی مثل فمینیسم، پست‌مدرنیسم، ساختارگرایی، پساساختارگرایی، ژاک لاکان^{۱۷} تلفیق شده است. باملین، در مرحله آخر، رمان‌هایی مثل جین/یر^{۱۸} زن سفید^{۱۹} اشعاری از چخوف^{۲۰} جونز و باراکا^{۲۱} را تحلیل و بررسی کرده است.

کتاب ریچارد سیوگ^{۲۲} به نام *نقد ادبی یونگی*،^{۲۳} چشم‌اندازی نو به روان‌شناسی یونگی است و بین روان‌شناسی و ادبیات با آثاری از تحلیل‌های کلاسیک یونگی یا آثاری از محققان معاصر در سنت مانده، ارتباط برقرار می‌کند. اثر دیگر رسالهٔ دکترای خانم نیکولز^{۲۴} در دانشگاه ایالت میسوری امریکاست که نقد ادبی یونگی و پسا‌یونگی^{۲۵} نام دارد. آثار ناپ^{۲۷} نیز در این حوزه قابل تأمل است. وی در کتاب *بحث یونگ در ادبیات*،^{۲۸} جهان‌شمولی انتقاد، تجزیه و تحلیل کهن‌الگویی یونگی را نشان می‌دهد. ناپ در اثر دیگری به نام *قصه‌های فرانسوی پربان: یک رویکرد یونگی*^{۲۹} به بررسی ماهیت جهانی و ابدی چهارده افسانهٔ فرانسوی، از جمله رمانس‌های قرون وسطی از ملوسین،^{۳۰} نسخه‌های قرن هفدهم چارلز پرو^{۳۱} از خواب زیبایی^{۳۲} و بلویرد^{۳۳} نسخهٔ فیلم ژان کوکتیو^{۳۴} از دیو و دلبر^{۳۵} می‌پردازد و از طریق بررسی دقیق این داستان‌ها، مشخص می‌کند که مردم در ادوار گذشته از چنین مشکلات ظاهراً مدرن با عنوان بحران از خودبیگانگی نام می‌بردند. کتاب روان‌شناسی یونگی در تحلیل‌های ادبی^{۳۶} نوشتهٔ جویس میکس جونز،^{۳۷} براساس نقد یونگی، شعر تی.اس.الیوت را نقد کرده است. کتاب دیگری که در این زمینه می‌توان نام برد، اثر میورز^{۳۸} و کید^{۳۹} به نام *نقد ادبی یونگی: تفسیر و تاریخچهٔ انتقادی آثار در انگلیس* با انتخاب مقالاتی بعد از ۱۹۸۰^{۴۰} است. این کتاب، منبع بسیار مهمی برای دانشمندان ادبی و پیروان روان‌شناسی یونگی است. کتاب *یک ذهن: یونگ و چهره‌هایی از نقد ادبی*^{۴۱} اثر متیو. فیکه^{۴۲} نمونهٔ دیگری است که با ابزار نقد ادبی یونگی از منظر روان‌شناسی و فیزیک دربارهٔ آثار میلتون،^{۴۳} شکسپیر،^{۴۴} وردزورث^{۴۵} بحث می‌کند. این کتاب نشان می‌دهد که نوشته‌های یونگ بذرهای فراوانی برای آیندهٔ نقد ادبی دارد و می‌تواند به فراتر از نقد کهن‌الگویی و نظریه‌های پست‌مدرن برسد.

در ایران، نیز مقاله‌هایی که در ذیل می‌آید، جزء نخستین پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است:

- بررسی تکوینی و تطبیقی کهن‌الگوی آفرینش انسان بنیادین بر مبنای رویکرد نقد پسا‌یونگی، پژوهش‌های ادبی، ۱۳۹۳ و روش‌شناسی و مبانی کاربردی برخورد منتقد با متن در رویکرد نقد کهن‌الگویی یونگی و پسا‌یونگی از فرزاد قائمی، پژوهش‌های ادبی، ۱۳۹۱.

- تحلیل کیفیت بیداری قهرمان درون در شخصیت سیاوش و کیخسرو با تکیه بر نظریه پیرسون و هیو. کیمار از محمدجواد عصّاریان و دیگران، پژوهش‌نامه ادب حماسی، ۱۳۹۳.

- بررسی سفر قهرمانی شخصیت در شازده احتجاب با تکیه بر کهن‌الگوهای بیداری قهرمان درون، ادبیات پارسی معاصر، ۱۳۹۳. بررسی سفر قهرمانی شخصیت در بوف‌کور با تکیه بر کهن‌الگوهای بیداری قهرمان درون از مجید سرمدی و دیگران، مطالعات داستانی، ۱۳۹۲.

- تحلیل روانشناختی - مدرنیستی رمان «بی وتن» بر مبنای نظریه «بیداری قهرمان درون»، پژوهش‌های ادبی، ۱۳۹۲.

همان‌گونه که مشاهده شد، پژوهش‌هایی که در بالا ذکر شد، بیشتر یا در زمینه شناساندن مکتب پسایونگی است و یا یکی از روش‌های سفر قهرمانی را دربرمی‌گیرد. ما در این مقاله، انواع سفرهای قهرمانی‌ای را که در دیگر منابع بررسی نشده است، با ارائه نمونه‌هایی معرفی خواهیم کرد.

بحث و بررسی

الف) مبانی نظری مکتب پسایونگی

الف-۱) اصطلاح پسایونگی

کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) پس از سال‌ها مطالعه و تحقیق، مکتبی را با عنوان «روان‌شناسی تحلیلی»^{۴۶} پایه‌گذاری کرد که بسیار مورد توجه روان‌شناسان، روان‌کاوان، اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان قرار گرفت. هم‌زمان با شناخته شدن مکتب یونگ، دیدگاه‌های وی در بیشتر کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، آلمان و در علوم و هنرهای از قبیل: روان‌شناسی، سینما، تئاتر، آموزش و پرورش و ادبیات گسترش یافت^{۴۷} (Casement, 1998:1). تأثیر بیش از اندازه نظریات یونگ در عرصه روان‌شناسی و روان‌کاوی، جامعه غرب را به سمت و سوی مکتبی هدایت کرد که در اصطلاح، «پسایونگی» خوانده می‌شود. در مورد این‌که پسایونگی‌ها چه کسانی هستند، هنوز بین صاحب‌نظران این حوزه اختلاف نظر وجود دارد. اندرو سامولز، برای اولین بار، اصطلاح پسایونگی را به این دلیل که بین آرای یونگ و افرادی که پس از وی در راستای روان‌شناسی تحلیلی فعالیت کردند،

تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دیده می‌شود، به کار برد (8: Samuels, 2005). برخی دیگر در تشریح اصطلاح وضع شده می‌گویند که این اصطلاح، در حقیقت، یک جهش از کتاب براون^{۴۸} به نام فروید و پسا فرویدی^{۴۹} است (18: Casement, 1998). به اعتقاد عده‌ای دیگر، اصطلاح یونگی^{۵۰} و پسیونگی را می‌توان به جای یکدیگر به کار برد. برخی دیگر معتقدند که باید تنها کسانی را که در راستای انتشار افکار یونگ تلاش می‌کنند، یونگی نامید و کسانی را که به نقد آرای وی می‌پردازند، پسیونگی نام نهاد (1: Samules, 2005). بنابراین می‌توان گفت، اصطلاح «پسیونگی» در نگاه نخستین به کسانی اطلاق می‌شود که به نقد، تحلیل و تشریح و یا ردّ افکار و نظریات یونگ پرداختند.

الف-۲) مکاتب پسیونگی

اندرو ساموئلز یکی از صاحب‌نظران برجسته در حوزه مکاتب پسیونگی است. او مکتب پسیونگی را به سه مکتب کلاسیک، رشد و کهن‌الگویی تقسیم می‌کند. مکتب کلاسیک که پرچم‌دار آن، اریک نیومن^{۵۱} است، بیشتر در راستای نشر افکار یونگ حرکت می‌کند؛ دغدغه اصلی مکتب رشد که زیر نظر میکائیل فوردهام^{۵۲} شکل گرفته، رشد من^{۵۳} و خود^{۵۴} در دوران کودکی است. مکتب کهن‌الگویی جیمز هیلمن نیز در راستای رشد و گسترش مفهوم کهن‌الگو تلاش فراوانی کرده است (126: Fordham, 1957 و 4- Samules 10 ... و 9-14: Samules, 2005 و 77-76: 1391، قائمی). انواع سفر قهرمانی و یا بیداری قهرمان درون، زیرمجموعه مکتب کهن‌الگویی جیمز هیلمن است.

ب) مکتب آرکی‌تایپی جیمز هیلمن

جیمز هیلمن، یکی از شاگردان انستیتوی زوریخ بوده و به مدت ده سال ریاست انستیتو را نیز برعهده داشته است. وی اکنون در امریکا یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روان‌درمانگران پسیونگی است و از رهگذر تعلیم در انستیتو و پژوهش در فرهنگ و تمدن ملت‌ها، در سال ۱۹۷۰ مکتب کهن‌الگویی را پایه‌گذاری کرد. به اعتقاد هیلمن، آرکی‌تایپ، اساسی‌ترین بخش کار یونگ و مرکزی‌ترین مفهوم روانی در درمان است و زندگی روانی انسان‌ها را پی‌ریزی می‌کند (138: Hillman, 1975). اصول هیلمن در این

مکتب، در مفهوم اولیه آن، کهن‌الگو و گستردگی آن در تصویر است؛ حامل کهن‌الگو، اسطوره است؛ جهان‌بینی هیلمن نیز در این مکتب، کثرت‌گرایی و شرک است (Samuels, 198: 2005). گذشته از تأثیر یونگ بر آرای هیلمن، او در این مکتب از اندیشه فریدریش نیچه،^{۵۵} مارتین هایدگر،^{۵۶} هانری کرین،^{۵۷} جان کیتز،^{۵۸} پرسبی بیشه شلی،^{۵۹} پتراچ،^{۶۰} پاراسلسوس،^{۶۱} و کیسی^{۶۲} نیز تأثیر فراوانی پذیرفته است. برای مثال، اصطلاح موندوس ایماژینالیس^{۶۳} و کهن‌الگو، نخستین بار توسط کرین به‌عنوان ساختارهای اساسی از تخیل استفاده شد. به همین دلیل، کانون توجه هیلمن در روان‌شناسی کهن‌الگویی، عالم خیال و تصویر است. به اعتقاد او، تصویر همه‌جا هست و جهان خیال، انتزاعی و غیرواقعی نیست. تصاویر در این مکتب، علائم، نشانه و تمثیل چیزی در عالم دیگر نیستند؛ بلکه آن‌ها بخشی از قلمرو واقعیت روانی‌اند و باید تصاویر را تجربه کرد (Ibid: 196). همان‌گونه که گفته شد، کهن‌الگوها در تصاویر نمود پیدا می‌کنند و از این رهگذر که تصاویر فراوان و در همه‌جا هستند، کهن‌الگوها نیز فراوان‌اند و انسان‌ها در هر لحظه و زمانی با آن‌ها برخورد دارند. تعدد تصویر و کهن‌الگو ارتباط مستقیمی با اصل کثرت‌گرایی مکتب هیلمن دارد و اساساً برخی نام دیگر این مکتب را روان‌شناسی کثرت‌گرایی^{۶۴} و شرک می‌نامند.

یکی دیگر از موضوعات مهم در مکتب هیلمن، پدیده روح است. به اعتقاد هیلمن، روح با اسطوره، فانتزی، استعاره و تخیل پیوند عمیقی دارد. کلمه روح به معنای ترکیب ناشناخته‌ای است که معنا را امکان‌پذیر می‌کند و رویدادها را به تجربه‌ها تغییر می‌دهد. ایده‌های روان‌شناسی، راه‌های شناخت و فهم روح است؛ بنابراین هر تغییری در ایده روان‌شناسانه، تغییر در روح است. او مفهوم «خود» را یک فانتزی روانی در مجموعه‌ای از توهمات می‌داند که مساوی با روح و روان است (James Hillman, 2015) / نسرین بیرق‌دار، (۲۰۱۲).^{۶۵}

هیلمن آثار متعددی در زمینه روح‌شناسی دارد. یکی از مهم‌ترین آثار وی کتاب کدهای روح: جستجو در شخصیت و ارتباط^{۶۶} است، که در آن تاریخچه تحقیق در زمینه روح را بررسی می‌کند. وی در این کتاب، تأکید دارد که هر انسانی باید یک نقشه فردی در زندگی داشته باشد و این موضوع، از مسائل زیست‌محیطی و ژنتیکی، اهمیت بیشتری دارد. کتاب شهر و روح^{۶۷} نیز مجموعه‌ای از سخنرانی‌های وی در مورد روح، روان‌کاوی خود و جامعه،

جامعه، سیاست، محیط زیست، شهر، ورزش، خشونت، فرهنگ و روح حیوانات و ... است. روان‌شناسی کهن‌الگویی^{۶۸} اثر دیگر هیلمن در زمینه تشریح و توصیف مکتب کهن‌الگویی است. او در این کتاب به تاریخچه، مفاهیم اصلی مکتب مانند کهن‌الگو، تصویر، روح و آسیب‌شناسی آن نیز پرداخته است. موضوع اصلی کتاب در جستجوی: روان‌شناسی و دین^{۶۹} نیز این است که همه انسان‌ها ممکن است، روح خود را از دست بدهند، بدون آن‌که متوجه شوند. یکی دیگر از آثار وی تحلیل اسطوره: مقالاتی درباره روان‌شناسی کهن‌الگویی^{۷۰} است که در این کتاب نیز مفاهیمی مانند: اسطوره، شهود، اروس،^{۷۱} بدن، تحقیر زنان و نیاز آن‌ها به آزادی را به‌عنوان یک واقعیت روانی بررسی می‌کند. اثر دیگر هیلمن شفای زخم^{۷۲} است. در این کتاب سؤال و بحث اصلی هیلمن، خواسته اصلی روح یعنی التیام‌دادن زخم‌ها و دردهاست. کتاب شفای زخم به مفاهیمی مانند تخیل فعال^{۷۳} یونگ و احساس حقارت^{۷۴} آدلر نگاهی جدید دارد. کتاب دیگر هیلمن انواع قدرت^{۷۵} نام دارد که در این کتاب نحوه استفاده رهبران حيله‌گر و غاصب از قدرت زبان و تفکر را تحلیل می‌کند. هیلمن در کتاب عشق ترسناک جنگ^{۷۶} در مورد منشأ روانی و ماهیت رفتارهای غیرانسانی بحث می‌کند و با استفاده از آثار متفکرانی مثل یونگ، کانت، فوکو، تولستوی، نامه‌ها و گزارش‌های سربازان و فرماندهان جنگی، به این نتیجه دست می‌یابد که جنگ در روان انسان هم پدیده‌ای جذاب و هم وحشتناک است و در آن، لایه‌های عمیقی از روان انسان کشف می‌شود. کتاب رؤیای حیوانات^{۷۷} اثر دیگر هیلمن است که به حذف حیوانات در زندگی خودآگاهی، و تأثیر آن در احساسات و افکار انسان‌ها اشاره دارد. هیلمن کتاب دیگری در این زمینه به نام حضور حیوانات: نسخه جمع‌آوری شده از آثار جیمز هیلمن^{۷۸} دارد که در حقیقت مجموعه سخنرانی‌های وی در زمینه حضور حیوانات در زندگی ماست. کتاب دیگر وی احساسات^{۷۹} است. او در این کتاب یک موضوع ظاهراً مشخص علم روان‌شناسی به نام احساسات را، در طول تاریخ، از زمان ارسطو تا زمان یونگ بررسی می‌کند و معتقد است که احساسات، پدیده‌ای بسیار مهم در روان‌شناسی است و باید در معنا و مفهوم بسیاری از آن‌ها تجدید نظر کرد. آنیما: یک آناتومی از مفهوم شخصیت^{۸۰} اثر دیگر هیلمن است که به بررسی پدیدارشناسانه کهن‌الگوی آنیما پرداخته است.^(۱) مجموعه این آثار نشان می‌دهد که هیلمن، شناخت بسیار وسیع و گسترده‌ای از

روح دارد و سعی دارد که این شناخت را به همه مخاطبان خود منتقل کند. همان‌گونه که گفته شد، در مکتب روان‌شناسی آرکی‌تایپی، محوری‌ترین مفهوم، کهن‌الگوست و تلاش هیلمن بر این است که با اعتقاد به تکثرگرایی، مفهوم کهن‌الگو را در تصاویر فراوان و بیکرانی گسترش دهد. از رهگذر آشنایی با دیدگاه هیلمن، افراد فراوانی به گسترش مفهوم کهن‌الگو توجه کردند و از این طریق انواع سفرهای قهرمانی شکل گرفت.

پ) انواع سفر قهرمانی پسایونگی

پ-۱) کارول.اس. پیرسون

نخستین الگوی سفر قهرمانی را پیرسون ارائه کرده و با استفاده از مفهوم کهن‌الگو، الگویی را طراحی کرده است که سه مرحله کلی دارد: مرحله تدراک، سفر و بازگشت. در مرحله تدراک، قهرمان با چهار کهن‌الگوی معصوم،^{۸۱} یتیم،^{۸۲} جنگ‌جو^{۸۳} و حامی؛^{۸۴} در مرحله سفر با چهار کهن‌الگوی جوینده،^{۸۵} ویران‌گر یا نابودگر،^{۸۶} عاشق،^{۸۷} آفریننده؛^{۸۸} در مرحله بازگشت، نیز با چهار کهن‌الگوی حکمران،^{۸۹} ساحر،^{۹۰} فرزانه^{۹۱} و دلقک^{۹۲} روبه‌رو می‌شود.^{۹۳} (پیرسون، ۱۳۹۴: ۳۲-۲۹). از آن جهت که دو مقاله در پیشینه تحقیق به تحلیل عملی این الگو پرداختند، از تحلیل عملی آن خودداری می‌کنیم.^{۹۴}

پ-۲) روش رابرت بلای

رابرت بلای در کتاب مرد مرد،^{۹۵} سفر قهرمانی مرد را با تکیه بر قصه کوتاهی به نام آبرون‌جان^{۹۶} طراحی کرده است. به اعتقاد بلای، در دنیای امروز، مردان در ۳۵ سالگی به این نتیجه می‌رسند که الگوهایی که از مردانگی در ذهن داشته‌اند، الگوهایی کاربردی نیست... داستان‌ها و قصه‌ها بیشتر از دیگران می‌توانند، اصول مردانگی و رشد درونی و بیرونی را به مردان بیاموزند (بلای، ۱۳۸۴: ۱۵). مراحل سفر قهرمانی بلای در این داستان شامل بالش و کلید، وقتی یک مو طلا می‌شود، جاده سقوط، خاکستر و اندوه، عطش به پادشاه در نبود پدر، ملاقات با زن، به زندگی بازگرداندن پهلوانان درون، سوار بر اسب‌های قرمز، سفید و سیاه و زخم خوردن از مردان پادشاه می‌شود. داستان آبرون‌جان با دزدیدن کلید از زیر بالش مادر برای فرارکردن شیرمرد از زندان آغاز می‌شود. بالش و کلید، در

حقیقت تمثیل و نماد جدایی از پدر و مادر است. پسرک با شیرمرد از قصر فرار می‌کند و آن دو به کنار برکه‌ای می‌رسند. شیرمرد از وی می‌خواهد که به برکه‌ای که طلایی است، نگاه کند؛ اما نباید چیزی در آن بیفتد. ناگاه انگشتان و موی پسرک در آب می‌افتد و طلایی می‌شود. در آب‌افتادن و طلایی‌شدن مو و انگشت، نماد فرهمندشدن همزاد شیرزاد است. پسرک چون نمی‌تواند به توصیه و سفارش شیرمرد عمل کند، مرحله‌ی خاکسترنشینی و تجربه‌های تلخ و دردناک را آغاز می‌کند. در مرحله‌ی بعد با پادشاه دیگری مواجه می‌شود و نزد او مقام و جایگاه می‌یابد. مرحله‌ی پنجم سفر، ملاقات با زن است که در حقیقت، یافتن همان وجه آنیمایی و زنانگی درون است. در مرحله‌ی ششم، پادشاهی که نزد او مقام یافته، وارد جنگ با دشمنان خود می‌شود و پسرک به‌صورت ناشناس کمک شایانی به وی می‌کند. در این مرحله‌ی نمادین، مرد باید پهلوانان درون خود را در تمام عرصه‌های زندگی شخصی، شغلی، احساسی و ... به میدان نبرد آورد. پادشاه در جنگ پیروز می‌شود و می‌خواهد بداند که چه کسی باعث پیروزی وی شده است. به همین دلیل جشنی برگزار می‌کند و به دختر خود می‌گوید که سیب طلایی را پرتاب کند و کسی که آن را گرفت، همان مرد است. پسرک سوار بر اسب‌های قرمز، سفید و سیاه که هرکدام نماد رشد بخشی از ویژگی‌های درونی اوست، سیب را می‌گیرد و فرار می‌کند. در حین فرار، از سربازان شاه زخم می‌خورد، با دختر شاه ازدواج می‌کند و در نهایت به مرحله‌ی پادشاهی می‌رسد (همان: ۲۱-۳۵۱).

در میان افسانه‌ها و قصه‌های جهان و ایران نمونه‌های فراوانی وجود دارد که قابلیت انطباق‌پذیری بالایی با الگوی سفر قهرمانی مرد بلای دارند. برای نمونه، می‌توان به افسانه‌ی «صد سکه‌ی طلا» در فرهنگ افسانه‌های مردم ایران اشاره کرد. داستان از این قرار است که پیرمردی تاجر، اختیارات شغلی‌اش را به پسر واگذار می‌کند. پسر تاکنون همیشه همراه پدر بوده و بنابراین وقتی پدر از او می‌خواهد که به سفر برود، به‌نوعی خودخواسته او را از خود - که نمادی از جدایی از خانواده و مرحله‌ی بالش و کلید قصه‌ی آبرو جان است - جدا می‌کند. پسر راهی سفر تجاری می‌شود. او به گشت‌وگذار می‌رود که ناگاه با مردی که تار می‌نوازد، برخورد می‌کند. پسرک در ازای دادن صد سکه‌ی طلا از او تارزدن را می‌آموزد. این مسئله دوبار در ازای یادگیری چیزی تکرار می‌شود. پسر برمی‌گردد و پدر بار دیگر به

او صد سکه طلا می‌دهد که تجارت را از نو آغاز کند. او صد سکه طلای دوم را یک‌بار صرف یادگیری نوشتن و خواندن و یک‌بار دیگر صرف یادگیری بازی شطرنج از پیرمردی می‌کند. این سه مرحله معادل موطلاشدن در قصه آبرون‌جان است. در قصه آبرون‌جان، شیرمرد به‌عنوان راهبری خردمند، اجازه فرهمند را به پسرک داد و در افسانه مورد نظر ما، نقش شیرمرد را دو پیرمردی که به او تارزدن و شطرنج بازی کردن را آموزش می‌دهند، برعهده دارند. پسر وقتی برای بارسوم، از تجارت به خانه برمی‌گردد، از پدر می‌خواهد به این دلیل که نتوانسته از عهده وظیفه‌ای که به او داده است، برآید، او را به تاجری بفروشد. این مرحله معادل خاکسترنشینی و سقوط پسر از موقعیتی بالا به موقعیتی پایین است.

پسرک با مرد تاجر برای تجارت به سفر می‌رود. مرد او را برای آوردن آب، به ته چاهی می‌فرستد. پسر در آنجا، جواهر زیادی می‌بیند و تاجر را از آن مطلع می‌کند. تاجر نیز دستور می‌دهد که جواهرات را به بالا بفرستد. وقتی جواهرات به بالای چاه می‌رود، تاجر، پسر را بالا نمی‌کشد. در مرحله خاکسترنشینی، قهرمان باید با دیوهای زیادی بجنگد. در اینجا نیز وقتی پسر در ته چاه می‌ماند، از دریچه‌ای وارد قلمرو دیوی می‌شود که در کنارش تازی افتاده است. پسر شروع به تارزدن می‌کند و دیو از خواب بیدار می‌شود. در اینجا دیو، نقش پدر پسر را بازی می‌کند؛ همان‌گونه که آبرون‌جان در نبود پدر به پادشاه پناه می‌برد. دیو به او می‌گوید که پسر من نیز تار می‌زد و تو مرا به یاد وی انداختی. پسر از دیو کمک می‌گیرد و به کاروان تجاری می‌رسد. تاجر برای این‌که پسر را دوباره نابود کند، نامه‌ای به او می‌دهد که به پسر خودش برساند و در آن نامه می‌نویسد، نامه که به دستت رسید، نام‌رسان را بکش. او نامه را باز می‌کند و متن را با این مفهوم که نام‌رسان هرچه از شما خواست، برایش تهیه کنید، عوض می‌کند. این مرحله، معادل بازگرداندن قهرمانان درون است؛ زیرا پسر از طریق شهود درونی توانست به این مفهوم پی ببرد که نامه را باز کند و متوجه نقشه تاجر برای ازبین‌بردن او شود. قهرمان در اثر هم‌صحبتی با پسر تاجر متوجه می‌شود که دختر پادشاه، در بازی شطرنج مهارت زیادی دارد و پادشاه آن شهر شرط گذاشته که هر کس در بازی شطرنج از دخترش ببرد، او را به دامادی می‌پذیرد. پسرک در بازی با دختر پادشاه، چندین بار او را شکست می‌دهد. او داماد شاه و بعد از مدتی نیز پادشاه آن شهر می‌شود. این مرحله معادل سوار بر اسب‌های

سفید و سرخ و سیاه و ملاقات با زن در قصه آبرون جان و نیز نمود ارائه مهارت‌های درون در حضور پادشاه است (درویشیان، ۱۳۸۱، ج ۹: ۲۲-۱۷).

پ-۳) روش مورین مرداک

مرداک در کتاب *ژرفای زن بودن*^{۹۷} نیز با واکاوی دنیای زنان، سفری دایره‌وار را برای زنان ترسیم می‌کند. وی در مقدمه این کتاب می‌گوید، زنان به دلیل تقلید از سفر قهرمانی مردان و نارضایتی بیش از حد تحصیلی و شغلی و... نیاز به سفر قهرمانی‌ای مختص به خود دارند. الگویی که برای سفر قهرمانی زن در این کتاب آورده شده، تاحدی از الگوی سفر قهرمانه کمپل گرفته شده است (مرداک، ۱۳۹۳: ۴-۱). مراحل سفر قهرمانی زن از دید مرداک عبارت‌اند از: جدایی از زنانگی و مادر، همذات‌پنداری با پدر، رویارویی با غول‌ها و هیولاها، آرزوی موهوم موفقیت، زنان قوی نه می‌توانند بگویند، سفر به سرزمین تاریک روح، ملاقات با مادر تاریک، رنج آگاهانه و بازگشت، میل شدید برای پیوند دوباره با زنانگی، شفای شکاف روحی بین مادر و دختر، یافتن مرد درون و فراسوی دوگانگی. سفر قهرمانی مرد از دید بلای با جدایی از پدر و مادر آغاز می‌شود؛ اما سفر قهرمانی زن از دید مرداک با جدایی از زنانگی و مادر آغاز می‌شود. زن باید از سنت‌ها و اعتقاداتی که او را در حیطه قلمرو مادر نگه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد، مسیر رشد را آغاز کند، جدا شود و با پدر و یا نمونه آنیموس درونی همذات‌پنداری کند؛ یعنی نقش و هویت خود را در دنیا بیابد و بدون وابستگی به والدین زندگی کند.

مرحله سوم معادل مرحله خاکسرنشینی در سفر قهرمانی مرد بلای است. زن در این مرحله امتحانات دشوار را می‌گذراند. امتحاناتی مانند مواجهه با افسانه حقارت زنان، نفی ارزش یافتن به دلیل ارتباط با مردان، نفرت از خود، عدم قاطعیت، شک و تردید و ...

زن - قهرمان در مرحله آرزوی موهوم موفقیت می‌آموزد که موفقیت‌های تحصیلی و شغلی تنها دلیل بر موفقیت پایدار نیست. نه گفتن به آنچه دنیای روحی و جسمی یک زن را تحت خطر قرار داده است، زن را به مرحله ملاقات با ناخودآگاه درونی و سه نقش باکره یا پرسفون،^{۹۸} مادر اعظم یا دیمیترا و هکاته^{۹۹} یا پیرزن دانا می‌رساند. مرحله میل شدید برای پیوند دوباره با زنانگی، مرحله‌ای است که او باید نسبت به بدن و جسم خود احساس

تعلق کند. او در این مرحله، نسبت به زنانگی، قاعدگی، حاملگی، یائسگی و معشوقگی خود حس محترمانه و دوستانه‌ای دارد. در مرحله بعد بین نقش دختر بودن، زن بودن و پیرزن دانا پیوند و یگانگی ایجاد می‌کند. یافتن مرد درون، همان یافتن کهن‌الگوی آنیموس، و معادل ملاقات با زن در سفر قهرمانی مرد بلای است. مرحله آخر مرحله یکپارچگی و فراسوی دوگانگی؛ یعنی اتحاد و ازدواج مقدس^{۱۰۰} است.

الگوی سفر قهرمانی زن مرداک، بیشتر با شخصیت‌های زنی که کهن‌الگوی آتنا^{۱۰۱} و آرتیمیس^{۱۰۲} غالب بر رفتارشان است، انطباق دارد. این دو کهن‌الگو مانند اکثر مردان بسیار هدف‌گرا هستند. آتنا علاوه بر آن‌که مدافع مرد - قهرمانان برگزیده خود و نزدیک‌ترین المپی به ژئوس بود، از نظام پدرسالاری نیز طرفداری می‌کرد... به اصول پدرسالاری ارزشی والاتر از پیوندهای مادرتباری می‌بخشید... و حضور در فعالیت‌های مردانه را به جدایی و نیز کناره‌گیری از آن‌ها ترجیح می‌داد (بولن، ۱۳۸۶: ۱۰۴). در جایگاه خدایانوی شکارچی، آرتیمیس می‌توانست هر طعمه‌ای را چه دور و چه نزدیک هدف گیرد... هدف‌گرایی و پایداری از جمله ویژگی‌های آرتیمیس است که به موفقیت او می‌انجامد (همان: ۷۰). از آنجا که جامعه معاصر برای داشتن رفتار مردانه و آنیموسی زنان اهمیت فراوانی قائل است، کهن‌الگوی آتنا و آرتیمیس در بین شخصیت‌های زن رمان‌های دوره معاصر بیشتر از سایر ادوار تاریخی ایران نمود دارد. برای نمونه، می‌توانیم در این باره به آثار زویا پیرزاد اشاره کنیم. رمان "عادت می‌کنیم" وی برای سفر قهرمانی مرداک نمونه مناسبی است.

شخصیت نخست این رمان، زنی مطلقه به نام آرزوست. آرزو زنی است که علاقه فراوانی به پدر مرحوم خود دارد. او ارتباط صمیمانه‌ای با پدرش ندارد. مرحله جدایی از زنانگی و مادر، بارها و بارها در این رمان تکرار می‌شود. اولین جایی که در این رمان به رفتار نامناسب مادرش اشاره می‌کند، زمانی است که پدر وی فوت شده است و مادر به فکر طلب کارهای پدر نیست (پیرزاد، ۱۳۸۴: ۸۸)؛ مادر دائماً به کارهای آرزو و حتی به چینش وسایل منزلش انتقاد می‌کند (همان: ۹۳)؛ و وقتی از رفتار نادرست دخترش، آیه، دفاع می‌کند، بیشتر از او متنفر می‌شود (همان: ۱۰۰-۹۸). دلیل ازدواج اولش را دور شدن از مادر مطرح می‌کند (همان: ۱۵۲). به همین دلیل در این رمان، جدایی و فاصله روحی‌ای که

بین مادر و دختر وجود دارد، به خوبی به تصویر کشیده شده است، به خصوص وقتی می‌خواهد، دوباره ازدواج کند، مخالفت مادر برای او بسیار بی‌اهمیت است. همذات‌پنداری آرزو در این رمان با پدرش از همان ابتدای رمان به وضوح دیده می‌شود. وقتی پدر او می‌میرد، آرزو از کارش استعفا می‌دهد و بنگاه معاملات ملکی پدر را اداره می‌کند و بدهکاری‌های او را می‌دهد (همان: ۱۲۸). در بخش‌های زیادی از رمان عادت می‌کنیم، عشق به پدر حتی بعد از مرگش در روح وی موج می‌زند. او از روشن‌فکری پدر می‌گوید (همان: ۱۴۲، ۱۲۴، ۱۱۷)؛ زمانی که می‌خواهد تصمیم برای ازدواج دوباره بگیرد، آرزو می‌کند، ای کاش پدر بود و از او مشورت می‌گرفت (همان: ۱۴۱)؛ اعتقاد دارد، بعد از پدر کسی وی را درک نکرده است (همان: ۱۶۶).

شغل و پیشرفت در کار مانند آتاتپ‌ها، برای آرزو اهمیت زیادی دارد و دلیل ازدواج نکردنش را این می‌داند که کارهای مهم‌تری مثل اداره بنگاه داشته است (همان: ۱۹). یافتن مرد درون و اهمیت دادن به خود، مرحله‌ای در زندگی آرزوست که سهراب را می‌بیند و می‌گوید، می‌خواهم آن را برای خودم، برای اولین بار در زندگی نگه دارم (همان: ۱۱۲). وقتی سهراب وارد زندگی آرزو می‌شود، او حس تازگی، طراوت و زنانگی عمیقی را تجربه می‌کند. از این رو، کارهایی زنانه مانند لاک‌زدن را (همان: ۱۲۲) انجام می‌دهد. او مرد دنیای درونی و بیرونی خود را در شخصیت سهراب پیدا می‌کند و از او چیزهای زیادی می‌آموزد. از سهراب یاد می‌گیرد که به جای مدام نگران این و آن بودن، خودش را نیز دوست داشته و به فکر نیازهای درونی خود نیز باشد (همان: ۱۴۰). او چندین بار در این داستان با دنیای زیرین و شخصیت پرسفون و هکاته‌وار خود ملاقات می‌کند. مرور خاطرات کودکی و روزهایی که در نقش دختر مادر و پدرش بود (دیمیتر و پرسفون)، تفکر عمیق و فراوان در مورد ازدواج با سهراب و اهمیت دادن به نقش معشوقگی خود، هبوط آرزو را به دنیای زیرین نشان می‌دهد. در پایان داستان، برخلاف نظر مادر، دختر و دوستش شیرین، با سهراب ازدواج می‌کند (همان: ۱۵۱-۱۴۷).

پ-۴) کلاریسا پینکولا استس

کلاریسا پینکولا استس، یکی از روان‌درمان‌گران یونگ است که از طریق تحلیل داستان

و قصه توانسته است، الگوهای اساطیری استخراج کند که معرفّ دنیای درونی روح زنان است و معتقد است از طریق این تحلیل‌ها می‌توان به زنان روش فردیت‌یافتن و برخورد با مشکلات و موانعی را که در این راستا خواهند داشت، آموزش داد. استس در تحلیل قصه‌ها و داستان‌ها به دنبال کشف کهن‌الگوی زن وحشی^{۱۰۳} است و معتقد است که زنان در دنیای امروز، به دلیل قطع پیوندهای خود با طبیعت غریزی‌شان، مسیرهایی را باید طی کنند تا به این کهن‌الگو دست یابند.

مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر وی در این حوزه، کتاب "زنانی که با گرگ‌ها می‌دوند": افسانه‌ها و قصه‌هایی درباره کهن‌الگوی زن وحشی^{۱۰۴} است.^{۱۰۵} او در مقدمه این کتاب، در تعریف کهن‌الگوی زن وحشی می‌گوید: می‌توان این طبیعت روانی قدرتمند را طبیعت غریزی نامید، اما زن وحشی، نیرویی است که در پس آن نهفته است... می‌توان آن را روح طبیعی، طبیعت ذاتی، بدوی، طبیعت بومی و درونی زنان، آن دیگر، هفت اقیانوس کیهان یا جنگل‌های دوردست یا دوست نامید. در مکاتب مختلف روان‌شناسی و از دیدگاه‌های مختلف می‌توان آن را نفس، خویشتن و طبیعت درونی نامید. در زیست‌شناسی آن را طبیعت نوعی یا بنیادی نامید (استس، ۱۳۹۳: ۱۱).

الگوهایی که استس در این کتاب آورده است، ابعاد مختلف روحی زنان در کشف این کهن‌الگو را دربرمی‌گیرد. الگوی «اعاده شهود به‌مثابه خودآگاهی»، الگویی است که استس از رهگذر قصه واسالیسا مطرح می‌کند. واسالیسا دختری است که مادرش می‌میرد. نامادری با او رفتار ظالمانه‌ای دارد. دختر از خانه بیرون می‌رود. با عجزه وحشی و پیرزن دانا برخورد می‌کند و این برخورد باعث رشد ابعاد درونی وی می‌شود. قدرت تمییز و جداسازی و ایستادن روی پای خود را، از پیرزن می‌آموزد. اسرار زندگی را از وی می‌پرسد، روی پای خود می‌ایستد و عنصر منفی روح خود؛ یعنی نامادری را از بین می‌برد. الگوی «سفر عشق» الگویی است که استس در آن به اتفاقاتی می‌پردازد که در یک رابطه عاشقانه برای یک زن پیش می‌آید. الگوی یافتن خانواده خود، الگویی است که بر اساس داستان "جوجه اردک زشت" نوشته شده است. داستان تبعید کودکی ناهمگن است که تولدی عجیب و نقص جسمی دارد. او ناجور و زشت به نظر می‌آید و به همین دلیل از مکانی که ناهمگونی را در آن بیشتر احساس می‌کند، خود را دور می‌کند. تبعید برای او

موهبت است؛ زیرا در نهایت به قویی زیبا تبدیل می‌شود. استس در الگوهای «جسم سرخوش و بدن وحشی، اعادهٔ جنسیت والا و تعیین قلمرو: مرزهای خشم و بخشش، زخم‌های نبرد، حفاظت از خویشان، آب زلال و پرورش زندگی خلاق، خودآگاهی در جنگل جهان زیرین، بازگشت به خانه و خویشان، یافتن جفت و وحدت با دیگری» به ترتیب به برآوردن نیازهای جسم و جنس و احترام برای هویت جسمی و جنسی خود، تعیین مرزهای خشم و بخشش و نگه نداشتن اسرار، رهاشدن از دام‌هایی که در برابر زندگی نزیستهٔ ما وجود دارد، خلاق زیستن و توجه عمیق به ناخودآگاه، زندگی زنان بدون اتکای به مردان و آموزش و فهماندن طبیعت دوگانهٔ خود به مردان و دیگران اشاره می‌کند (همان).

از آنجا که نمی‌توان به همهٔ الگوهای استس در این مقاله اشاره کرد، الگوی «خودآگاهی در جنگل جهان زیرین» که به اعتقاد وی، به نوعی دربرگیرندهٔ تمامی الگوهای نام برده است، در رمان "کولی کنار آتش" از منیرو روانی پور را تحلیل می‌کنیم.

الگوی «خودآگاهی در جنگل جهان زیرین» از نظر استس دارای چند مرحلهٔ معاملهٔ کورکورانه، قطع عضو، سرگردانی، کشف عشق در جهان زیرین، قلمرو زن وحشی و عروس و داماد وحشی است. «آینه» نام دختری قبیله‌ای است که پدر او را برای رقصیدن و کسب درآمد به شهر می‌فرستد (معاملهٔ کورکورانه). او در شهر با مردی به نام «مانس» آشنا می‌شود و با وی ارتباط برقرار می‌کند. اعضای قبیله و پدر وقتی متوجه ارتباط آینه با «مانس» می‌شوند، او را طرد می‌کنند (قطع عضو). او در طول این سفر با شخصیت‌های فراوانی آشنا می‌شود که هرکدام به نوعی در رشد صفت صبر و بردباری او نقش مؤثری دارند. در ابتدا مردی به نام «شکری» می‌خواهد از او سوءاستفادهٔ جنسی کند. آینه فرار می‌کند؛ در میانهٔ داستان، با فردی به نام «مریم» آشنا می‌شود؛ به بوشهر می‌رود؛ با رانندهٔ کامیونی ازدواج موقت می‌کند؛ به تهران می‌رود که «مانس» را پیدا کند؛ در تهران شروع به کار می‌کند؛ برای مدتی به دلیل تمام شدن پول‌هایش، دوباره آواره می‌شود؛ با افرادی به نام «قمر، سحر و گل‌افروز» آشنا می‌شود. کشیش کلیسا، آینه را با نقاشی به نام «هانیبال» آشنا می‌کند (روانی پور، ۱۳۹۲).

کشیش نماد کهن‌الگوی آنیموس و روح مردانه اوست؛ زیرا او، قدرت، صلابت و خود واقعی «آینه» را به او می‌شناساند و به او داشتن استقلال را می‌آموزد. آینه زیر نظر «هانیبال» هنرمند معروفی می‌شود و به قبیله برمی‌گردد. این رمان تا اندازه‌ای با الگوهای «پرورش زندگی خلاق و جوجه اردک زشت» نیز هم‌پوشانی دارد. «آینه» نمونه یک جوجه اردک زشت است؛ زیرا مرتکب عملی شده که از نظر قبیله، کاری ناشایست و زشت است. مانند جوجه اردک زشت طرد می‌شود؛ اما به هر قیمت ممکن ادامه می‌دهد. از جهت دیگر، او نمونه فردی است که با وجود سختی‌های فراوان، زندگی خلاق برای خود ترتیب می‌دهد. تبدیل یک دختر طردشده روستایی به یک هنرمند برجسته نقاشی، نشان‌دهنده کشف قهرمان درون است.

پ-۵) تیپ‌شناسی جین شیوندا بولن

یکی دیگر از انواع روش‌های نقد ادبی پسایونگی که مبنای آن، رشد و گسترش مفهوم کهن‌الگوست، تیپ‌شناسی بولن است. معروف‌ترین اثر بولن در این زمینه، "خدایان درون زنان و خدایان درون مردان" است که با عنوان‌های نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان و نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی مردان به فارسی برگردانده شده است. او چند اثر دیگر در زمینه روان‌شناسی کهن‌الگویی دارد که در غرب نیز از شهرت بسیاری برخوردارند.^{۱۰۶}

بولن معتقد است، خدایان و خدایانوان المپی، خصوصیات بسیار انسانی داشتند. رفتار، کنش‌های عاطفی، شکل ظاهری و اساطیری آنان، نمونه‌هایی را در اختیار ما می‌گذارد که با رفتار و اندیشه ما انسان‌ها همخوانی دارد (بولن، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۶). به اعتقاد او، رب‌النوع‌ها نیز مانند کهن‌الگوها همه بالقوه هستند، اما مسلماً در یک شخص بالفعل نمی‌شوند. از نظر وی، معروف‌ترین رب‌النوع‌ها، دوازده تن هستند. شش خدا به نام‌های زئوس،^{۱۰۷} خدای آسمان، حیطة اراده و قدرت؛ پوزیدون،^{۱۰۸} رب‌النوع دریا، عرصه عواطف و غرایز؛ دیونوسوس، رب‌النوع عاشق، آواره، شور و سرمستی و عارفانه؛ آپولو،^{۱۰۹} رب‌النوع خورشید، کمان‌گیر، قانون‌گذار و برنامه‌ریز؛ هادس،^{۱۱۰} رب‌النوع جهان زیرین و تفکرات فلسفی؛ آرس،^{۱۱۱} رب‌النوع جنگ و خونریزی و رفتار مردانه؛ هفائستوس،^{۱۱۲} رب‌النوع

صنعت، استادکار، مخترع و خدای لنگ؛ هرمس،^{۱۱۳} ربّ اللّوع پیام‌رسان و راهنمای ارواح، هاتف، رند و مسافر و شش خدایانو به نام‌های هستیا،^{۱۱۴} خدایانوی آتشکده و معابد؛ دیمیترا،^{۱۱۵} خدایانوی غلّات، روزی‌دهنده و مادر؛ هرا،^{۱۱۶} خدایانوی زناشویی و وفادار به عهد و پیمان و همسر؛ آرتیمیس،^{۱۱۷} خدایانوی شکار و ماه، رقابت‌جو و خواهر؛ آتنا، خدایانوی عقل و مهارت؛ پرسفون، دوشیزه و ملکه جهان زیرین، زنی پذیرا و دختر مادر و آفرودیت^{۱۱۸}، خدایانوی عشق و زیبایی که بعدها دیونوسوس (خدای شراب) جای هستیا (خدایانوی آتشکده) را گرفت و نسبت بین خدا و خدایانوان به هفت خدا و شش خدایانو رسید (همان).

از طریق تیپ‌شناسی بولن می‌توان کهن‌الگوی غالب بر نویسنده و شاعر و شخصیت‌های داستان و رمان را شناسایی و ارتباط محکمی بین متن و روان نویسنده و شاعر برقرار کرد. آگاهی و دانش به تیپ شخصیتی نویسنده و شاعر، خوانش متن را برای مخاطب ساده‌تر می‌کند و این موضوع در متن‌هایی که پیچیدگی و ابهام بیشتری نسبت به سایر متون دارند، ارزش و اهمیت فراوانی می‌یابد. ناگفته نماند که برای تیپ‌شناسی باید جزء به جزء زندگی نویسنده و شاعر، به‌خصوص دوران کودکی و نوجوانی را تحلیل و بررسی کرد. از این نظر این نوع روش بیشتر در مورد شاعران و نویسندگان معاصر کاربرد دارد؛ زیرا اطلاعات بیشتری در مورد کودکی، نوجوانی و به‌طور کلی زندگی آن‌ها موجود است. برای نمونه می‌توان به رمان بوف‌کور اثر صادق هدایت اشاره کرد. یکی از پیچیده‌ترین رمان‌های معاصر، رمان بوف‌کور است که هنوز احساس می‌شود، لایه‌های پنهان زیادی دارد که کشف نشده است؛ اما با شناخت تیپ شخصیتی صادق هدایت که در کلمه به کلمه این رمان متبلور شده است، برخی از پیچیدگی‌ها و ابهام‌های آن برطرف می‌شود. می‌دانیم که مهم‌ترین موضوع محوری رمان بوف‌کور، مرگ‌اندیشی هدایت است. وقتی کودکی، نوجوانی و جوانی هدایت را بررسی می‌کنیم، به چند نکته از نقاط عطف زندگی وی که همان دوری از زندگی روزمره، افسردگی و البته نیاز به تنهایی و تفکر عمیق است، برمی‌خوریم. دوستانی که از نزدیک با هدایت در ارتباط بودند به گوشه‌گیر بودن، تنهایی و بی‌علاقگی به شادی و مراسم عروسی اذعان کردند (بهار، ۱۳۸۲: ۲۳) و (جمشیدی، ۱۳۷۳: ۱۸۴). علاقه به تنهایی مفرط و تفکر در این تنهایی، یکی از بارزترین ویژگی‌های تیپ «هادس» است؛ زیرا

«پسر هادسی از این‌که با خود خلوت کند و تنها باشد، لذت می‌برد و ترجیح می‌دهد که وقتش را با خود و یا شاید با دوستی خیالی سپری کند» (بولن، ۱۳۹۳: ۱۶۴). در کنار تنهایی، یک انسان هادسی، بسیار در دنیای مردگان سیر می‌کند؛ زیرا رب‌النوع هادس، خدای مردگان است.

هدایت در نوجوانی زمانی که باید در پی شور و هیجان‌های دوران نوجوانی باشد، روزنامه دیواری‌ای به نام «ندای اموات» می‌سازد (جمشیدی، ۱۳۷۳: ۴۲). دوبار خودکشی‌کردن هدایت، بر این موضوع صحه می‌گذارد. از جهت دیگر، هدایت، دارای تیپ «هفائستوس» است؛ زیرا یکی از ویژگی‌های رب‌النوع هفائستوس، گوشه‌گیر و منزوی بودن است. «حضور کهن‌الگوی هفائستوسی در مرد یا زن موجب می‌گردد که او درباره احساسات خود حرف نزند. او ترجیح می‌دهد به کنج کارگاه عواطف بخزد و در خلوت خویش کار کند» (بولن، ۱۳۹۳: ۳۲۳). هدایت، «دیونوسوسی و پرسفونی» نیز است؛ زیرا در یک آن شاد و در همین لحظه غمگین و به اصطلاح جوان ابدی^{۱۹} و دارای شخصیت دوگانه است (همان، ۱۳۹۳: ۳۷۳-۳۷۴ و ۳۶۴ - ۳۶۵).

تغییر شغل و تغییر سه رشته تحصیلی (بهار، ۱۳۸۲: ۵۸-۵۹ و ۱۱۱) یکی از موارد دمدمی مزاج بودن هدایت است. دیونوسوس و هادس‌ها عموماً روان‌پریش‌اند. چند نکته در زندگی هدایت، موید این موضوع است. هدایت به گیاه‌خواری علاقه‌مند بود و می‌دانیم که بیماران اسکیزوفرنی به گیاه‌خواری علاقه‌مندند (طلوعی، ۱۳۷۸: ۵۱۴)؛ اختلال بصری که یکی از ویژگی‌های بیماران اسکیزوفرنی است (همان: ۵۰۲). بیماری چشم هدایت در نوجوانی و محروم شدن وی از تحصیل به این خاطر، بر این امر صحه می‌گذارد (بهار، ۱۳۸۲: ۱۸). برای مرد دیونوسوس و هفائستوس، ارتباط با زنان اهمیت زیادی دارد (بولن، ۱۳۹۳: ۳۵۸-۳۷۸ و ۳۳۶). جالب است بدانیم، هدایت، مهارت ارتباط با زنان را در دنیای بیرون نداشت (فرزانه، ۱۳۷۲: ۲۶۶) و در آثارش از جمله بوف‌کور شدیداً این وجه از شخصیت خود را نمودار می‌کند.

ترکیب شخصیت هادس، هفائستوس، دیونوسوس و پرسفون است که اثر مبهم و در عین حال عمیق و دل‌نشینی به نام بوف‌کور را می‌سازد و وقتی مخاطب و منتقد، دانش به تیپ شخصیتی نویسنده داشته باشد، ارتباط محکم‌تری با متن برقرار خواهد کرد. شناخت

تیپ شخصیتی شخصیت‌های رمان‌ها و داستان‌ها نیز یکی دیگر از مواردی است که از الگوی بولن می‌توان استفاده کرد. همان‌گونه که در بخش روش مرداک دیدیم که شناخت تیپ «آرزو» در فهم عملکرد او در رمان تأثیر به‌سزایی داشت.

نتیجه

پس از نشر آثار یونگ، نظریه وی مانند هر نظریه دیگری، نقد و تحلیل شد. اندرو ساموئلز منتقدان آرای یونگ را به تبعیت از کتاب فروید و پسا‌فرویدی، پسا‌یونگی نامیده است. پس از یونگ، سه مکتب کلاسیک، رشد، کهن‌الگویی برای تحلیل، نقد و بررسی آرای وی شکل گرفت. صاحبان مکتب کلاسیک، بیشتر پیرو یونگ هستند؛ مکتب رشد بیشتر به رشد کودک و تأثیر کودکی در بزرگسالی و تجدیدنظر در مفاهیمی مثل خود و مکتب کهن‌الگویی بیشتر به رشد و گسترش مفهوم و انواع کهن‌الگو پرداختند.

۱. در مکتب کهن‌الگویی جیمز هیلمن، انواع سفر قهرمانی مخصوص مرد و زن طراحی شده است که شامل بیداری قهرمان درون کارول پیرسون، سفر قهرمانی زن مورین مرداک و کلاریسا پینکولا استس و سفر قهرمانی مرد رابرت بلای می‌شود. هر کدام از این الگوها اختصاصات خاص خود را دارند و قابل تعمیم به انواع مختلف زنان و مردان و انواع متون زبان و ادبیات فارسی است، غیر از سفر قهرمانی مورین مرداک به دلیل همذات‌پنداری با پدر و پیدا کردن جایگاه در اجتماع، برای تیپ‌های شخصیتی آتنا و آرتیمیس مصداق بیشتری دارد.

۲. یکی دیگر از نکاتی که در این الگوها مورد توجه است، دوآر یا خطی بودن آن‌هاست. با توجه به نمونه‌های تحلیلی ارائه شده می‌توان گفت، سفر قهرمانی هم می‌تواند خطی باشد و هم دوآر؛ اما جنبه غالب با دوآر بودن است.

۳. یکی دیگر از روش‌های نقد کهن‌الگویی پسا‌یونگی، تیپ‌شناسی شینودا بولن است. او بر اساس خدایان و خدایان یونان، تیپ‌های مختلفی برای زنان و مردان پیشنهاد داده است. تیپ‌شناسی بولن، روش مناسبی برای تحلیل و شناخت تیپ شخصیتی نویسنده، شاعر، شخصیت‌های داستان‌ها و رمان‌هاست.

پی‌نوشت

۱. لازم به ذکر است این آثار مهم‌ترین آثار هیلمن در زمینه روان‌شناسی کهن‌الگویی است. او آثار متعدّد دیگری نیز دارد.

منابع

۱. اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). اسطوره بیان نمادین. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).

کتابنامه

۲. استس، کلاریسا پینکولا، (۱۳۹۳)، زنانی که با گرگ‌ها می‌دوند: افسانه‌ها و قصه‌هایی درباره کهن‌الگویی زن وحشی، ج ۴، تهران: پیکان.
۳. بولن، جین شینودا، (۱۳۹۳). نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی مردان، ترجمه مینو پرنیانی و همکاری پرتو پارسی، چاپ سوم، تهران: آشیان.
۴. _____ . (۱۳۸۶). نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان، ترجمه آذر یوسفی، ج ۴، تهران: روشن‌گران و مطالعات زنان.
۵. بیرق‌دار، نسرين، (۲۰۱۲)، تحلیل رؤیا در روان‌شناسی مدرن، در فیس‌بوک (صفحه گروهی قهرمان هزار چهره)، دسترسی ۸ آوریل.
6. <https://www.facebook.com/groups/164666580281117/permalink/278297152251392/>
۷. بهار، آتینا، (۱۳۸۲)، زندگی صادق هدایت، تهران: شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران.
۸. بلای، رابرت، (۱۳۸۴). مرد مرد، ترجمه فریدون معتمدی، تهران: مروارید.
۹. پیرسون، کارول. اس، (۱۳۹۴)، بیداری قهرمان درون، ترجمه فرناز فرود، تهران: کلک آزادگان.
۱۰. پیرزاد، زویا. (۱۳۸۴)، عادت می‌کنیم، چاپ اول، تهران: مرکز.
۱۱. جمشیدی، اسماعیل، (۱۳۷۳)، خودکشی صادق هدایت، تهران: زرین.
۱۲. درویشیان، علی‌اشرف و رضا خندان (مهابادی)، (۱۳۸۱)، فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، ج ۹، تهران: کتاب و فرهنگ.
۱۳. روانی‌پور، منیرو، (۱۳۹۲)، کولی کنار آتش، تهران: مرکز.
۱۴. فرزانه، مصطفی، (۱۳۷۲)، آشنایی با صادق هدایت، تهران: مرکز.
۱۵. قائمی، فرزاد، (۱۳۹۱)، "روش‌شناسی و مبانی کاربردی برخورد منتقد با متن در رویکرد نقد کهن‌الگویی یونگی و پسا یونگی"، پژوهش‌های ادبی، شماره ۳۸، صص ۷۳-۱۰۰.
۱۶. مرداک، مورین، (۱۳۹۳)، ژرفای زن بودن، ترجمه سیمین موحد، ج ۳، تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.

17. -Baumlin, James S. II. Baumlin, Tita, George H. Jensen ; foreword by Andrew Samuels. (2004), Written Susan Rowland, Oliver Davis, Luck Hockely, Susan Rowland....., **Post Jungian Criticism**
18. Fordham, Michael, (1957), **New Developmentss in Analytical Psychology**, foreword by C.G.Jung, London, Routledge & Kegan Paul.
19. Casement, Ann, eds, (1998), **Post-Jungians Today: Key papers in contemporary analytical psychology**, Routledge, New Fetter Lane, London.
20. Hillman, James. (1975), **Loose Ends: primary papers in archetypal psychology**, Spring, Dallas.
21. ————. (1983), **Archetypal Psychology**, Spring, Dallas.
22. ————. (2015), James Hillman, Wikipedia, 3 December. 14: 10.
23. Samuels, Andrew, (2005), **Jung and Post-Jungian**, state University of New York Press, Routledge
- whitlark, James. (1991). **Behind the Great Wall**. Fairleigh Dickinson Univ Press.

¹ - Post-Jungian

² - Carl Gustav Jung. ۱۹۶۱/۱۸۷۵.

³ -Classical

⁴ -Developmental

⁵ -Archetypal

⁶ -James Hillman

⁷ - Carol.S.Pearson

⁸ - Robert Bly

⁹ - Maureen Murdock

¹⁰ - Clarissa Pinkola Estes

¹¹ - Jean Shinoda Bolen

¹² -Behind the Great Wall

^{۱۳} - James Whitlark / استاد دانشگاه تکزاس.

^{۱۴} - post Jungian Criticism

^{۱۵} -Baumlin,James S. I/ Baumlin, Tita. -اساتید دانشگاه ایالتی میسوری.

^{۱۶} -George H. Jensen. -استاد دانشگاه آرکانزاس.

¹⁷ - Jacques Lacan

¹⁸ - Jane Eyre

¹⁹ - The Women In White

²⁰ - Anton Chekhov

²¹ - LeRoi Jones/Imamu Amiri Baraka

²² - Richard Sugg

²³ - Jungian Literary Criticism

^{۲۴} -Marcia D. Nichols / استاد دانشگاه ایالتی میسوری.

²⁵ -Jungian and Post-Jungian Literary Criticism

^{۲۶} -اثر نامبرده از آن جهت که رسالهٔ دکتری است، در دسترس نیست.

²⁷ - Knapp

²⁸ - A Jungian Approach to Literature

²⁹ - French fairy tales: a Jungian approach

³⁰ - Mélusine

³¹ - Charles Perrault

- 32 - Sleeping Beauty
33 - Bluebeard
34 - Jean Cocteau
35 - Beauty and the Beast
36 - Jungian Psychology in Literary Analysis
37 - Joyce Meeks Jones
38 - Jos van Meurs
39 - John Kidd
40 - Jungian Literary Criticism, 1920-1980: An Annotated, Critical Bibliography of Works in English with a Selection of Titles After 1980
41 - The One Mind: C. G. Jung and the Future of Literary Criticism
42 - Matthew A. Fike
43 - John Milton
44 - William Shakespeare
45 - William Wordsworth
46- Analytical Psychology
47- برای نمونه در این باره می‌توان به کتاب *Frames of Mind/ A Post-Jungian Look at Film*, از Luke Hockley *Television and Technology* مراجعه کنید.
48 - J.A.C. Brown
49 - Freud and the Post-Freudians
50- Jungian
51 - Erick Neumann
52 -Michael Fordham
53 -Ego
54- Self
55 - Friedrich Nietzsche
56 - Martin Heidegger
57 - Henry Corbin
58 - John Keats
59 - Percy Bysshe Shelley
60 - Petrarch
61-Paracelsus-
62 -Casey
63 -Mundus imaginalis
64 - polytheistic psychology
65 - نسرتین بیرق‌دار، «تحلیل رویا در روان‌شناسی مدرن»، صفحه گروهمی *قهرمان هزار چهره*، دسترسی ۸ آوریل.
<https://www.facebook.com/groups/164666580281117/permalink/278297152251392/>
66 - The Soul's Code: In Search of Character and Calling
67 - City and Soul
68 - Archetypal Psychology
69 - Insearch: Psychology and Religion
70 - The Myth of Analysis: Three Essays in Archetypal Psychology
71 -Eros
72 - Healing Fiction
73 - active imagination
74 - inferiority feelings

- 75 - Kinds of Power
- 76 - A Terrible Love of War
- 77 - Dream Animals
- 78 - Animal Presences: Uniform Edition of the Writings of James Hillman
- 79 - Emotion
- 80 - Anima: an anatomy of a personified notion
- 81 - Innocent Archetype
- 82 - Orphan Archetype
- 83 - Warrior Archetype
- 84 - Caregiver Archetype
- 85 - Seeker Archetype
- 86 - Destroyer Archetype
- 87 - Lover Archetype
- 88 - Creator Archetype
- 89 - Ruler Archetype
- 90 - Magician Archetype
- 91 - Sage Archetype
- 92 - Jester Archetype

۹۳ - البته لازم به ذکر است، پیرسون در نظریه نهایی‌اش آرکی‌تایپ‌ها را به شش کهن‌الگو کاهش داد. همان‌گونه که از نام کهن‌الگوهای دوازده‌گانه مشخص است، برخی از کهن‌الگوها نیز مرزهای بسیار مشترکی دارند و تشخیص آن‌ها از یکدیگر کار آسانی نیست.

۹۴ - در این باره به مقالات نام‌برده در بخش پیشینه تحقیق مراجعه کنید.

- 95 - Iron John a book about men
- 96 - Iron John
- 97 - The heronine, s journey
- 98 - Persephone
- 99 - Hecate
- 100 - Sacred Marriage
- 101 - atena
- 102 - Artemis
- 103 - Wild Women Archetype
- 104 - Women who run with the Wolves: Myths and Stories of the wild women

۱۰۵ - کتاب‌های دیگر استس در مورد شناخت شناخت ابعاد روح زنان از طریق تحلیل داستان، شامل تحلیل زن قدرتمند: دعای عشق معصوم مادر برای روح وحشی (*Untie the Strong Woman: Blessed Mother's Immaculate Love for the Wild Soul*)، هدیه یک داستان: داستان حکیمانه (*The Gift of Story: A Wise Tale about what is Enough*) و ... است.

۱۰۶ - کتاب‌های الهه‌ها در هر زن: یک روان‌شناسی جدید از زنان و خدایان درون مردان (*Goddesses in Everywoman: A New Psychology of Women*)، الهه‌ها در پیرزن: کهن‌الگو در زنان بالای پنجاه (*Goddesses in Older Women: Archetypes in Women Over Fifty*)، پیام ضروری از مادر: جمع‌آوری زنان، ذخیره جهانی (*Urgent Message from Mother: Gather the Women, Save the*)

(World)، آرتمیس: روح سرکش در هر زن (*Artemis: The Indomitable Spirit in Everywoman*).

- 107- Zeus
- 108- Poseidon
- 109 -Apollo
- 110 -Hades
- 111- Ares
- 112 - Hephaestus
- 113 Hermes
- 114- Hestia
- 115- Demeter
- 116- Hera
- 117- Artemis
- 118- Aphrodite
- 119 -Eternal Youth